

نقدآب

افزایش پیشرفت کشور
با ترور شخصیت‌ها

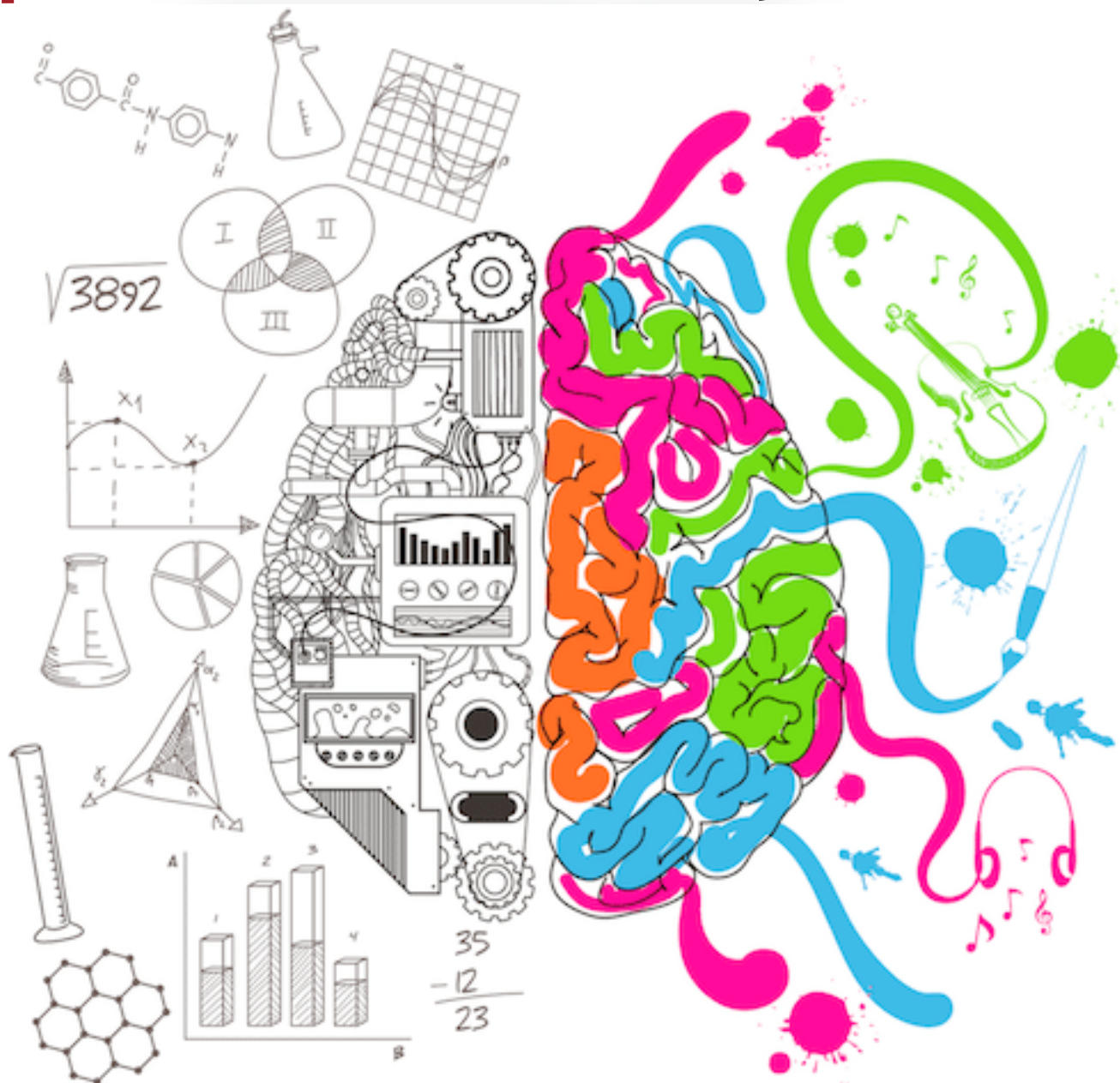
ویروس منحوس

دانشجو در خط مقدم

تک فرزندی

علوم تربیتی
رشته انسان‌ساز

درد و دلی با تو



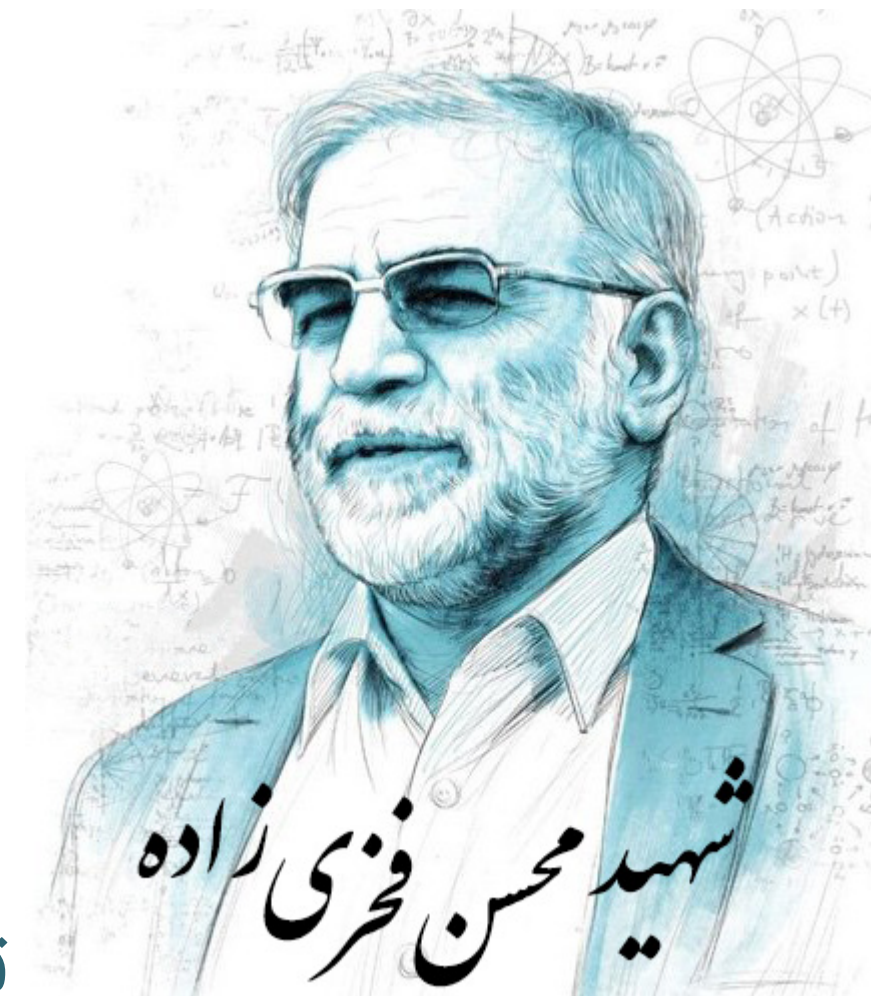
افزایش پیشرفت کشور با ترور شخصیت‌ها

گاهنامه نقاب - شماره ۶
آذر ماه ۹۹

زهرا حیدری - عضو فعال دانشکده

۳

پدیده‌ای به نام ترور، عقبه‌ای طولانی دارد. چرا که همواره در طول تاریخ شاهد این پدیده بوده‌ایم، افرادی چون گاندی رهبر سیاسی و معنوی هند، شهید صدر، برهان‌الدین ربانی، سیاستمدار تاجیک‌تبار افغانستان و یکی از رهبران مجاهدین و... را می‌توان در لیست قربانیان ترور قرار داد. پدیده‌ی ترور می‌تواند علل متفاوتی داشته باشد، اما بحث اصلی ما ترور در ایران پس از انقلاب است، که چه عواملی باعث پدید آمدن آن بخصوص در مورد شهید سلیمانی فرماندهی سپاه قدس و شهید فخری‌زاده، دانشمند حوزه هسته‌ای شده‌است؟



شهید محسن فخری زاده

علت اصلی ترورهای اخیر

آبان‌ماه سال ۹۸ بعد از افزایش قیمت بنزین و اعتراضاتی که در کشور به وجود آمد، فاصله‌ای بین مردم و دولت ایجاد شد. آمریکایی‌های بد ذات و مزدور فرصت را برای حذف فیزیکی شهید سلیمانی از این حادثه مناسب دیدند. یعنی درحقیقت این فاصله بین دولت و مردم زمینه اصلی برای حذف فیزیکی فرمانده مقتدر انقلاب اسلامی بود. اما به دلیل آن که جواب درخوری به خون ریخته شده شهید سلیمانی که در شأن حذف مالک اشتر این انقلاب باشد داده نشد، مقدمات ترور شهید فخری‌زاده، مهره‌ی علمی و قدرت‌ساز و در یک کلام عمار انقلاب، و گستاخی دشمن را فراهم کرد. دشمنان ما به خوبی می‌دانند که حذف مهره‌های نخبه و علمی ضربات سنگینی بر کشور وارد می‌کند و همچنین حذف این افراد خلأهای جبران‌ناپذیر و هزینه‌های سنگینی را بر دولت و ملت تحمیل می‌کند. اما آنچه این جرأت را به عاملان صهیونیستی ترور شهید فخری‌زاده داد تا دانشمند حوزه‌ی هسته‌ای ما یعنی عامل قدرت نظامی ما را ترور کنند، پالس‌های خبر مذاکره بعد از شهادت سردار رشید اسلام حاج‌قاسم سلیمانی بود. بله اگر انتقام سخت را از عاملان ترور شهید سلیمانی گرفته بودند، حال نظاره‌گر شهادت شهید فخری‌زاده نبودیم. باشد که با ارائه پاسخ قاطعانه به گستاخی دشمنان، دوباره شاهد چنین قضایای غم‌انگیزی نباشیم.

ترور تنها راه مقابله

انقلاب اسلامی، با فکر و ایدئولوژی جدیدی به نام اسلام‌گرایی و مبارزه با بی‌عدالتی و کمک به مستضعفین و استقلال روی کار آمد؛ و این تفکر علاوه بر تضعیف حکومت‌های لیبرالی در جهان، قوت قلبی برای ملل تحت ستم ایجاد کرد تا خود را از زیر یوغ دشمن نابکار و چپاولگر رها کنند. از آن جا که تفکر انقلاب اسلامی اجازه قدرت‌نمایی را به این تفکر نداده آن‌ها کمر به نابودیش بستند و با تمام تجهیزات و ایادیشان به جنگ نابرابری با ایدئولوژی اسلام‌گرای انقلاب اسلامی آمدند. از همان ابتدا این امر باعث شد مهره‌هایی که باعث افزایش قدرت و توانمندی این ایدئولوژی می‌شوند در معرض ترور قرار بگیرند و به یقین شهید سلیمانی‌ها و فخری‌زاده‌ها هم از این امر مستثنی نبوده و در معرکه ترور و حذف فیزیکی قرار گرفته‌اند. در عملیات‌های ترور، نیروهای طرفدار وابسته کردن ایران در تمام زمینه‌ها، همیشه در صحنه بوده‌اند؛ آنان که در باطل بودن کار خود ایستادگی می‌کنند و به دنبال ایجاد شرایط سیاسی و اجتماعی آشفته‌ای در کشور هستند، این تاریخ و زمان را بهترین زمان ممکن برای بهره‌برداری از شرایط پیش‌آمده برای حذف نیروهای عنصر قدرت می‌دانند.

۳

ویروس منحوس

معصومه شیخ اکبری - عضو فعال دانشکده

راه چاره چیست؟

در وهله اول مسئولین باید از صحبت‌هایی که باعث ایجاد تنش و درگیری فکری می‌شود خودداری کنند. در مرحله بعد رسانه‌ها باید اخبار را به شیوه‌ی درستی منتشر کنند. باید محتوای برنامه‌ها به این سمت باشد که هرکس کرونا بگیرد قرار نیست بمیرد! باید اطلاع‌رسانی شود که با زدن ماسک، رفت‌وآمد کمتر، برنامه تغذیه‌ای مناسب و داشتن آرامش تا حد زیادی می‌توان از این ویروس دور ماند! در مرحله بعد مردم باید با روش‌های مختلفی مثل ورزش کردن، کتاب خواندن و... سعی کنند آرامش خود را حفظ کنند.



تپش قلب و تنگی نفس می‌شود. یکی دیگر از اختلالاتی که این روزها به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن اوضاع کرونا به طور جدی مطرح است، افسردگی‌های شدید است! از علائم این اختلال می‌توان به احساس ناامیدی، کاهش اعتماد به نفس، به هم‌ریختگی الگوی غذایی و خواب افراد، احساس ناراحتی مزمن و... اشاره کرد.

اختلال وسواس فکری

در این اختلال فرد مدام میهمان ناخوانده دارد! احساس می‌کند همه جا کثیف است و تمام خانه به ویروس کرونا آلوده شده و فرد به طور دائم در حال شست‌وشو و استفاده از انواع مواد شوینده و الکل است! این استفاده‌ی مداوم باعث افزایش اضطراب فرد می‌شود و زندگی‌اش را مختل می‌کند، همچنین خطر ابتلا به بیماری‌های ریوی را هم افزایش می‌دهد!!!! و این زنگ خطری است برای مسئولین و مردم که در حوزه سلامت روان فعالیت بیشتری داشته باشند! دسته‌ی دیگری از مردم هم هستند که به دلیل پیگیری بیش از حد اخبار و حرف‌های دیگران، دچار خطای شناختی شده‌اند؛ فکر می‌کنند اگر از خانه بیرون بروند یا حتی اگر افراد دیگری با ماسک کنارشان باشند، حتما کرونا می‌گیرند.

همه‌ی انسان‌ها در زندگی خود دچار اضطراب می‌شوند و می‌توان گفت که استرس به یک جزء جدا نشدنی زندگی افراد تبدیل شده‌است! داشتن استرس در حد کم و متوسط مشکل و اختلال محسوب نمی‌شود. در شرایط کرونا با توجه به آمار بالای مرگ‌ومیر، ترس از دست دادن عزیزان، کم شدن ارتباط، احساس کمبود محبت و... آمار بیماری‌های روحی - روانی از جمله وسواس و اضطراب بالا رفته است.

برخورد افراد با کرونا

برخی افراد که هنوز کرونا نگرفته‌اند، از روحیه خوبی برخوردارند و توانسته‌اند با شرایط سازگار شوند؛ اما در این میان افراد زیادی هم وجود دارند که نتوانسته‌اند با این ویروس و شرایطی که به وجود آورده سازگار شوند و دچار اضطراب‌های شدید و انواع اختلالات شده‌اند. یکی از این اضطراب‌ها، اضطراب افراطی بیمار شدن است! این که فرد مدام در این فکر است که آیا دچار کرونا شده است یا خیر؟ آیا ناقل است یا خیر؟ و... باعث اشکال در تمرکز، بی‌قراری، خلق نامنظم و... می‌شود. اتفاق دیگری که این افراد به آن دچار می‌شوند، حملات پانیک است که در آن فرد به دلیل حملات اضطراب، دچار

دانشجو در خط مقدم

زهرا واثق عباسی - عضو فعال دانشکده

نکند، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین کننده آینده و مورد نظر امام (ره) باشد.

رسالت دانشجو

نسل جوان هنگامی که به لباس تحصیل و فراگیری آراسته می شود، افزون بر تلاش و کوشش پی در پی در آموختن و بهره گرفتن از علوم و فنون و افزودن دانش و دانایی خویش، باید ارزش هایی را نیز از خود به نمایش بگذارد. ارزش هایی چون سلامت نفس، پاکی روح، امید و اعتماد به آینده، تقویت بنیه دینی و سیاسی، و نیز خودسازی فکری و اخلاقی، موجب می شود دانشجو در هر رشته ای که تحصیل می کند، به دانشجویی دیندار، مسلمان و خداپسند تبدیل گردد. شکل گیری این روحیه در جامعه دانشجویی، باعث می شود گروهی همدل و هم فکر با آرزویی مشترک، در پرتو آموزه های اسلام، آینده ای آباد و سرفراز بسازند.

سخن حضرت آقا با دانشجویان

مقام معظم رهبری خطاب به دانشجویان می فرمایند: آنچه ما از بچه های دانشجو، از شما جوان های عزیز که من خیلی به شماها واقعاً علاقه مندم، انتظار داریم این است که شماها باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، نباید منتظر این باشید که شما را به کار وادار کنند؛ بخصوص جوان هایی که مثلاً مربوط به تشکل های گوناگون دانشجویی هستند. باید خودکار حرکت کنید، باید بچه هایی که اهل اندیشه هستند؛ بعضی ها هستند در اندیشه ورزی پیشرو هستند، بعضی ها در حرکت های اجرایی پیشرو هستند؛ هر کدام در هر قسمتی که توانایی اش را دارید بایستید خودجوش و خودکار باشید؛ مثل مبارزات مبارزین زمان طاغوت. ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

براین مبنا می توان گفت دانشجو و جنبش دانشجویی در نگاه رهبر معظم انقلاب عنصری است: ضد استکبار و استبداد، ضد فساد، ضد اشرافی گری و تجمل، عدالت طلب، آزادی خواه و آزاداندیش، جوینده دانش، برخوردار از این شاخصه ها و تعمیق در آن ها نیازمند تقوا، کسب علم، ارتقای سطح معرفت دینی و افزایش سطح فهم و آگاهی سیاسی است و چنین دانشجویی را می توان دانشجوی تراز انقلاب و یک «روشنفکر تمام عیار مسلمان» نامید.

دانشگاه ها و دانش سراها از جمله مهم ترین و حساس ترین مراکزی هستند که نقش عمده ای در استقلال و یا وابستگی کشور دارند. چرا که اکثر مدیران جامعه از بین فارغ التحصیلان دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت انتخاب می شوند؛ از این رو این مراکز همواره مورد تهاجم فرهنگ سلطه در جهان بوده است تا از این طریق با پرورش دست نشانده های خود آینده را رقم بزنند. دانشجو در نظام جمهوری اسلامی که یک نظام صد درصد مردمی است، باید بارزتر از دانشجویان کشورهای دیگر در جامعه نقش داشته باشد. درست است که همه ملت ها به کشورشان علاقه مندند، اما نظامی که بر اساس انقلاب مردمی و متکی به اراده و احساس عامه مردم بنا شده، موانع خارجی را برداشته و در آن یکایک آحاد مردم با حاکمیت احساس پیوند عمیقی می کنند. در این نظام مردمی، دانشجویان که طبقه پیشرو و پیشاهنگ و زبده و بانشاط پیکره اجتماع هستند، باید در سازندگی آینده و ترسیم حرکت عمومی جامعه، بیش از جاهای دیگر، نقش داشته باشند.

دو عامل تاثیرگذار در شخصیت دانشجو

عامل اول، درس، علم و تحصیل است؛ تا نام دانشگاه و دانشجو معنا پیدا کند و امیدهایی که برای آینده کشور ترسیم می شود، باطل نباشد. جوان ها با خوب درس خواندن و اساتید نیز با تربیت صحیح آن ها باید آینده علمی و عملی کشور را تأمین کنند. در کنار تحصیل، نقش تحقیقات، بسیار مهم است که باید مسئولان به آن بپردازند. عامل دوم، جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ یعنی همان چیزی که به علم جان، روح و جهت خواهد داد. در وصیت نامه حضرت امام خمینی (ره)، به این نکته اساسی توجه شده است. دانشگاه بیگانه از ارزش های دینی و بی تفاوت نسبت به مفاهیم انقلابی نیست. دانشگاهی که در او نبض انقلاب نزند، دانشگاهی که اعضایش - چه دانشجو و چه استاد- نسبت پیشرفت ملت ایران و برای پیشاهنگی، احساس تکلیف



تک فرزندی

مریم طاهری - عضو فعال دانشکده

مشکلات رشد اجتماعی کودک

متأسفانه امروزه به دلایلی چون مشکلات اقتصادی، اشتغال زنان، بالا رفتن سن ازدواج و... تک فرزندی بسیار رایج شده است. باید توجه داشت که تک فرزندی معایب زیادی دارد. کودکان تک فرزند ممکن است به دلیل این که تنها هستند و کسی را ندارند که با او بزرگ شوند، در دوست‌یابی دچار مشکل شوند؛ همچنین این کودکان مهارت‌های اجتماعی لازم را یاد نمی‌گیرند و جامعه‌پذیری کمی دارند. آن‌ها نمی‌توانند از اشتباهات خواهر و برادر خود درس بگیرند و از آن‌ها الگو بگیرند. تک فرزندان دوست دارند کسی را داشته باشند تا با آن‌ها بازی و صحبت کند. خانواده‌هایی که یک فرزند دارند می‌خواهند بهترین امکانات را برای فرزندانشان فراهم کنند. بنابراین شیوه‌ی تربیتی این کودکان نیز بسیار متفاوت است زیرا این شیوه‌ی تربیتی همراه با ملاحظه و سهل‌انگاری است.

وجود فرزندان در خانواده آثار و فواید جسمانی و روحانی زیادی برای والدین به دنبال دارد. خانواده‌هایی که صاحب فرزند هستند بیشتر از خانواده‌های بدون فرزند از زندگی لذت می‌برند. همچنین مطالعات جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی نشان داده که میزان طلاق در متاهلین بدون فرزند بیشتر از متاهلین دارای فرزند است. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که پدر و مادر شدن، از ابتلای افراد به بیماری‌های قلبی و سرطان محافظت می‌کند. همچنین بارداری زنان باعث بهبود عملکرد حافظه‌ی آنان می‌شود. علاوه بر این، یکی از عوامل ایجاد آرامش و افزایش شور و نشاط زندگی فرزندآوری است.

فرزندآوری و افزایش جمعیت

خانواده‌های پر جمعیت با نشاط‌تر هستند و حتی نرخ طلاق در این خانواده‌ها کمتر است؛ زیرا تعداد فرزند در خانواده باعث تحکیم پیوند بین والدین می‌شود. مسئله‌ی جمعیت نیازمند بررسی کارشناسانه‌ی علمی است و باید این آینده‌نگری صورت گیرد که شعار فرزند کمتر زندگی بهتر چه تبعاتی دارد؛ چراکه اگر رشد جمعیت کشور به همین روال پیش رود پیش‌بینی می‌شود در ۴۰ سال آینده رشد جمعیت منفی شود و دچار پیری جمعیت شویم که در این صورت از امکان توسعه و رشد باز می‌مانیم. بنابراین فرزند در خانواده‌ی ایرانی از یک سو دارای اهمیت فوق‌العاده، باعث زینت و آبروی خانواده و عصای دست پدر و مادر است و از سوی دیگر موجب تشخیص و هویت خانواده می‌شود و سپری در برابر طلاق زوجین است. در آیه ی ۴۶ سوره‌ی کهف آمده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا»؛ (مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است)!

دغدغه‌های روحی و روانی این افراد

کودکان تک فرزند با مفاهیمی چون ایثار، همدلی و دلسوزی بیگانه هستند، چون این مهارت‌ها را کودک در کنار خواهر و برادر خود یاد می‌گیرد. از سویی دیگر والدین همواره نگران کودک خود هستند و کودکان نیز متقابلاً نگران والدین خود هستند؛ زیرا اطمینان دارند به غیر از آن‌ها فرد دیگری برای مراقبت از والدینشان وجود ندارد و این یک بحران برای خانواده‌های تک فرزند در آینده است. این دسته از کودکان در مقابل شکست بسیار آسیب‌پذیر هستند و دائماً به والدین خود وابسته هستند؛ زیرا مستقل بودن و تعامل با جامعه موضوعی است که کودک باید در خانواده یاد بگیرد. در خانواده‌های تک فرزند، فرزندسالاری زیاد مشاهده می‌شود و در حقیقت کودک هرچه بگوید با جواب مثبت والدین مواجه می‌شود.

ارزش گذاری غلط باعث شده بیشتر جوانان ما گرایش به سایر علوم داشته باشند، در صورتی که ما باید برای پیشرفت و موفقیت جامعه خود به سرمایه گذاری و بها دادن به علوم تربیتی بپردازیم تا بتوانیم با آموزش و تربیت افراد از مشکلات جامعه خود بکاهیم. در اکثر کشورهای پیشرفته جهان، متخصصان علوم انسانی و بخصوص علوم تربیتی به تحلیل و ریشه یابی مسائل انسانی و اجتماعی پرداخته و پس از آشنایی با مسائل و مشکلات جامعه از طریق آموزش و تربیت صحیح به حل آنها می پردازند؛ اما در کشور ما این علوم بیشتر جنبه حفظی پیدا کرده و به بعد کاربردی آنها توجهی نمی شود. مسئله بها ندادن به رشته های تربیتی در فرهنگ ما باعث مشکلات بسیاری در سطوح مختلف جامعه چون مدرسه، خانواده، دانشگاه شده است و همین امر موجب می شود ما از کشورهای پیشرفته دنیا در زمینه های آموزش و تعلیم و تربیت عقب بمانیم.

اما چه باید کرد..؟

ارائه راهکار برای پیشرفت و بهبود آموزش، تعلیم و تربیت باید در دو سطح کلی و جزئی انجام شود. راهکارهای کلی به بخش فرهنگ عمومی جامعه مربوط می شود.

ما باید تلاش کنیم از راه تبلیغات و آموزش اهمیت تعلیم و تربیت و تحصیل در رشته علوم تربیتی، فرهنگ عمومی جامعه را تغییر دهیم. از سوی دیگر افرادی که در این رشته تحصیل می کنند باید علاوه بر مطالعه کتاب درسی، نسبت به تغییراتی که در نظام آموزشی اتفاق می افتد و یا نیازهای آموزشی که در جامعه وجود دارد اطلاعات کافی داشته باشند تا بتوانند برای پیشرفت جامعه قدمی رو به جلو بردارند.

در نهایت هدف ما در این رشته تربیت انسان هایی است که بتوانند در راستای پیشرفت جامعه در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت اقداماتی کاربردی و هدفمند داشته باشند و به همین دلیل است که می گوئیم علوم تربیتی رشته ی انسان ساز است.

به طور کلی رشته علوم تربیتی به آموزش و پرورش آدمی می پردازد. به عبارت دیگر هر جا سخنی از آموزش باشد، علوم تربیتی هم در آن حضور دارد. اگر بار دیگر این تعریف را با دقت بیشتری بخوانیم می بینیم که هدف این رشته همسو با هدف تمام پیامبران و امامان و به طور کلی تمام انسان هایی است که دغدغه تعلیم و تربیت جامعه بشری را دارند. پس ما برای داشتن جامعه پویا و سالم نیازمند کسانی هستیم که بتوانند به بهترین شکل به تعلیم و تربیت انسان ها بپردازند و این، دقیقا همان هدف رشته علوم تربیتی است. اما چرا با وجود اینکه علوم تربیتی برای پیشرفت جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است، در کشور ما به اندازه کافی به این رشته توجه نمی شود؟ آیا می توان با دیدن کشورهای پیشرفته در زمینه تعلیم و تربیت و ارائه راهکارهای مفید به بهبود این رشته کمک کرد؟!

اهمیت تعلیم و تربیت

آموزش و تعلیم و تربیت برای همه کشورهای دنیا از اهمیت و ارزش بسیار زیادی برخوردار است و اکثر کشورهای پیشرفته جهان به نقش مهم آموزش در مسیر پیشرفت جامعه خود پی برده اند و با سرمایه گذاری در این مسیر و ارتقا سطح هوشمندی افراد، به طور روزافزون، بر موفقیت های جامعه و کشور خود می افزایند.

عوامل اثرگذار در کاهش اهمیت رشته علوم تربیتی

اما در کشور ما عوامل گوناگونی از جمله سیاست گذاری های نادرست، آموزش غیرمسئولانه، نظام ارزش گذاری غلط و بسیاری از دلایل دیگر منجر به این شده است که رشته های علوم انسانی و به خصوص علوم تربیتی اهمیت بسیار بالای خود را از دست بدهند. همین نظام



درد و دلی با تو

سیده سارا سیادتی - عضو فعال دانشکده

نم:



آنچه حال بیماران را بهبود می‌بخشد تنها دانش پزشکی نیست! بلکه مهم‌ترین عنصر فرایند درمانی را امید، ایمان و محبتی می‌سازد که از قلب پرستاران سرچشمه می‌گیرد. هنگام ورود کرونا به کشور اصلا فکر نمی‌کردیم که پرستاران قرار است این همه سختی بکشند و مدت زمان زیادی را دور از خانه و خانواده خود بگذرانند. اما کم‌کم با پیدا شدن چهره واقعی این بیماری فهمیدیم که دوران سختی پیش روی ماست.

در این دوران سخت، حفظ روحیه‌مان مهم‌ترین مسئولیتی بود که به عنوان خانواده پرستار، آن را ایجاب می‌کرد و این اولین قدم در مسیر شکست کرونا بود. ما با چشمان خود می‌دیدیم که چه شب‌ها از خواب و استراحتش می‌گذشت تا به همکارانش کمک کند تا حال یکی از بیماران را که در هوای مرگ نفس می‌کشید را بهبود ببخشد. می‌دیدیم که چقدر برایش سخت است که در ماه رمضان با زبان روزه، گرمای ماسک و لباس و شیلد را تحمل کند.

حتی بعضی روزها برای کمک به همکارانش، با وجود این که روز کاریش نبود در بیمارستان می‌ماند تا آن‌ها را تنها نگذارد.

اما با وجود این همه سختی آنچه طاقتش را طاق می‌کرد افزایش روزافزون آمار مرگ و میرها بود. گاهی چند شب و روز می‌گذشت و او به خانه نمی‌آمد؛ ما همه دلتنگش می‌شدیم... چشم به در بودیم و نگران... نگران از اینکه حجم زیاد کار به او فشار آورد و یا خدای نکرده خودش به این بیماری مبتلا شود. هر چند روز یک بار، خبر بیماری و بستری شدن یکی از همکارانش در همان بخش را می‌شنیدیم، که غالباً بعد از گذشت مدتی نه تنها بهبود نمی‌یافت، بلکه راهی بخش ویژه و مهمان دستگاه‌ها می‌شد؛ و قسمت دردناک داستان فوت همکارش در ظرف کمتر از یک هفته بود.

بعد از تماشای پر کشیدن همکارانش، به راحتی می‌توانستیم صدای شکستن قلبش را بشنویم. و چه سخت است دست و پنجه نرم کردن با غمی که چاره‌ای جز تحمل برایت باقی نمی‌گذارد... ما به عنوان خانواده یک پرستار این فشار وارده بر او را کاملا حس می‌کردیم. تمام تلاشمان این بود که مسائل و مشکلات خانه دیگر مثل سابق دغدغه‌اش نباشد. محیط خانه را آرام می‌کردیم و موارد آزاردهنده را از بین می‌بردیم تا مخل استراحتش نشود.

سعی می‌کردیم فضای خانه، شاد باشد تا خستگی این همه داغ وارده بر قلبش را التیام دهیم و روحیه از دست رفته‌اش را حتی الامکان بازگردانیم. با وجود تمام این تلاش‌ها، شرایط هم برای او سخت و طاقت‌فرسا بود و هم

برای ما... و ترس این که شاید او هم مبتلا شود همیشه همراهمان بود... این مسئله اهمیت محدود شدن رفت‌وآمدهای ما را بیشتر می‌کرد، چراکه پس از ابتلای او به این بیماری، احتمال بیماری ما به عنوان خانواده یک پرستار بیشتر می‌شد و باید برای حفظ سلامتی دیگران بیشتر در خانه می‌ماندیم. از شما دانشجوی عزیز به عنوان یک عضو فرهیخته جامعه استدعا می‌کنم کمی خودبینی را کنار بگذارید. شاید کرونا برای ما عادی شود اما برای آنان که جان برکفند و کسانی که عزیزانشان را از دست می‌دهند، این داغ هیچ وقت از بین نمی‌رود. ما به سلامتی نزدیک‌تر می‌شویم، شبی که او از خوابش دورتر می‌شود.

کلام امام

نوع برخورد با مشکلات درون نظام، باید علاج‌جویانه و طبیبانه باشد. گاهی اوقات به مریض خودش هم ممکن است تشر بزند، یک حرف تلخی هم بزند، اما مقصودش معالجه‌ی او است. در مقابله‌ی با دشمن، نوع برخورد باید قاطع و صریح و طبق برخورد خود او - که خصمانه است - خصمانه باشد؛ اما در داخل و با نظام، نه؛ دلسوزانه، علاج‌جویانه و مانند این‌ها. البته شما در برخورد با دشمن خارجی در حرف زدن و در موضع گرفتن و مانند این‌ها آزادید. حالا البته در زمینه‌های دیپلماسی یک رنگ‌وروغن‌های دیپلماسی لازم است، آن به عهده‌ی دیپلمات‌ها، آن‌ها هرکار خواستند [بکنند] و بروند هر جور می‌خواهند رنگ و روغن بزنند؛ [اما] شما به‌عنوان دانشجو، به‌عنوان مجموعه‌های دانشجویی، حرفتان را صریح و قاطع و با صدای بلند بیان کنید.

۱۳۹۶/۰۳/۱۷

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

سر دبیر: فاطمه بابائی
صفحه آرا: فاطمه بابائی

مدیر مسئول: فاطمه بابائی
ویراستار: رقیه سادات فروغی

هیئت تحریر:

زهرا حیدری - معصومه شیخ اکبری - زهرا واثق عباسی - مریم طاهری
محمدحسین ایزدی - سیده سارا سیادتی